

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم با سلام خدمت استاد عزیز و فرزانه: جناب استاد در معارف دینی گفته می شود انسان به میزانی که به خدا نزدیک می شود بلاها و مصیبتها و مشکلات بر سر او فرو می ریزد تا حدی که آدم گمان می کند اگر بخواهد با خدا باشد باید دایما مریض الاحوال، فقیر و بیچاره و محتاج، گرفتار مصیبت زن و فرزند و از بین رفتن خانه و کاشانه و باشد و این خود عاملی می شود که انسان ترس از ورود در حوزه ی عشق و عرفان داشته باشد. از طرفی گفته می شود با توکل و تقرب به خدا مشکلات حل می شود انسان از بلاها و بیچارگی ها نجات پیدا می کند و در ادعیه فروان از خدا چنین درخواستهایی شده است چنانچه پیامبر اسلام صل الله علیه و آله می فرماید در شب قدر از خدا عافیت بخواهید یا در دعای گرانقدر عالیہ المضامین آمده است «و تصوننی فی هذا الدنیا من العاهات و الافات و الامراض الشدیدة و الاسقام المزمنة و جمیع انواع البلاء و الحوادث» و موارد فراوان دیگر در تعقیبات نمازها و..... حال با توجه به این مقدمه ۱. آیا عنوان کردن این که هر که به خدا نزدیک می شود گرفتار فقر و درد و مصیبت و... می شود انگیزه ورود در راه خدا را کم نمی کند؟ و چگونه با این کسی که با خدا باشد خداوند از مشکلات نجاتش می دهد و من یتق الله می خواند وانگهی آدمی که همواره درگیر فقر و مرض و درد و مصیبت و بیچارگی است چگونه می تواند با خدا راز و نیاز و عبادت کند؟ ۲. پس این روایات و دعاهایی که برای عافیت و نجات از بلاها چه می شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- قضیه از این قرار است که راه توحید بدون امتحان و ابتلا نیست و برای عبور از استکبار، بی‌هزینه ممکن نمی‌باشد و این غیر از آن است که انسان از خدا بخواهد فقر و مصیبت‌هایی که عموم انسان‌ها بدان گرفتارند چه مؤمن و چه غیر مؤمن، از او رفع کنند ۲- طلب عافیت، طلب نحوه‌ای از زندگی است که اهل دنیا با آن روبه‌رو نیستند. موفق باشید